

شدن یا صیوروت انسان یعنی چه و به چه فرآیندی گفته می‌شود؟

زندگی مسیر شدن یا صیوروت انسان است، اما چگونه؟

شاید شما هم تا کنون با اصطلاح شدن یا صیوروت انسان رو به رو شده باشید. اما شدن یا صیوروت انسان یعنی چه؟ ما قرار است چه چیزی بشویم و این شدن یا صیوروت انسان چگونه اتفاق خواهد افتاد؟ معنای صیوروت را در واژه‌نامه از حالتی به حالت دیگر تبدیل شدن نوشته‌اند و معنای شدن هم برای همه ما مشخص است. با این حساب ما قرار است به چه چیزی تبدیل شویم و چرا این اتفاق خواهد افتاد؟

مسیر زندگی ما مسیری برای رسیدن به هدف خلقت انسان است. چه خودمان آگاه باشیم و خود را برای این اتفاق آماده کنیم و چه ندانیم و نخواهیم، همه در جهت تحقق همین هدف پیش می‌رویم. یعنی همه ما با توجه به ساختار ریاضی جهان در حال تبدیل شدن به چیزی هستیم که به خاطر آن پا به دنیا گذاشته‌ایم.

گفتیم که دنیا خانه ما نیست، ما از جهانی دیگر به دنیا آمده‌ایم، جهانی که نام آن ملکوت است و سرچشمه وجود ماست و گفتیم که همه در حال بازگشت به خانه خود هستیم، خانه‌ای که در بازگشت نام آخرت را بر آن گذاشته‌ایم، شاید از این بابت که آخر و عاقبت وجود ما در این بازگشت مشخص خواهد شد؛ بازگشت به ملکوت شروع حیات ابدی ما در شرایط زیستی ملکوت است و میزان شباهت و تطبیق ما با این شرایط زیستی مشخص می‌کند، که تا چه حد این زندگی ابدی شاد و آرام خواهد بود.

اگر ما پیش از این در جهان آخرت بوده‌ایم، چه چیزی باعث شده به دنیا هبوط کنیم؟ چرا خانه خود را بی‌آنکه خود بخواهیم رها کرده‌ایم و ناگزیر از گذراندن این سفر پرماجرا شده‌ایم؟

سفر برای تبدیل توانایی‌های بالقوه

شباهت با شرایط زیستی آخرت در واقع به معنای شباهت با سرچشمه حیات ماست و همان طور که گفتیم این شباهت به معنای تبدیل کردن استعدادهای ذاتی و بالقوه بخش جاویدان وجودمان با سرچشمه حیاتمان یا معشوق بی‌نهایت‌مان یا همان خداوند است. پس شرط شادی و آرامش و خوشبختی ما در زندگی جاویدان پیش روی‌مان شبیه شدن یا به اختصار شدن است. در متون فلسفی برای این فرآیند از اصطلاح شدن یا صیوروت انسان استفاده می‌کنند.

یک دانه کوچک سیب را تصور کنید، اگر بگوییم این دانه در درون خود یک درخت سیب یا حتی جنگلی بزرگ از درختان سیب دارد آیا حرف اشتباهی زده‌ایم؟ جنگلی از درختان سیب نهایت کمالی است که هر دانه کوچکی می‌تواند بروز دهد. به توان پنهان در درون دانه قوه می‌گوییم. اما مهم‌ترین چیز برای این که دانه سیب قوه خود را بروز دهد، یا به عبارت دیگر کمالات بالاتری را کسب کرده و به موجودی با توانایی‌های بیشتر تبدیل شود یا در زبان فلسفه این قوه را به فعل برساند، این است که در محیطی مناسب قرار بگیرد. محیط مناسب برای دانه خاک است. دانه‌ای که در خاک کاشته می‌شود، نسبت به دنیا، آسمان، خورشید و هرچه که روی زمین قرار دارد، در حجاب کامل قرار می‌گیرد، اما برای رسیدن به کمال خود چاره‌ای جز تحمل محیط سرد و سنگین خاک ندارد. تا روزی که جوانه کوچکی پوسته دانه را بشکافد و پس از کنار زدن خاک دانه دوباره و این بار در صورتی تازه به روی زمین بازگردد. حالا درخت کوچک ما در مسیر رسیدن به کمال خویش راه کمی پیش‌رو دارد و به زودی می‌تواند، هزاران سیب تولید کند که در دل هر سیبی دانه‌ای برای کاشتن قرار دارد.

تنها پس از تن دادن به زندگی در محیط خاک است که دانه کوچک تبدیل به درختی تناور می‌شود. درختی که بر خلاف دانه برای بهره‌برداری از تمامی مواهب موجود در زمین مانند آب و نور خورشید و هوا آماده است، با خود برگ و شاخه و گل آورده، نور و آب و هوا را با فتوسنتز دریافت می‌کند و می‌تواند با استفاده از این امکانات زندگی کرده و حتی میوه تولید کند.

شدن یا صیوروت انسان در محیط محدود دنیا

بخش جاویدان وجود ما هم مانند آن دانه قوه محض است. وجود ما مجموعه‌ای از توانایی‌های نامحدود است، که برای به فعلیت رسیدن نیاز به محیطی خاص دارد. محیط مادی دنیا بهترین مکان است تا بخش انسانی وجود ما در پوسته جسم در آن رشد کرده، ویژگی‌ها و کمالات خود را به ظهور برساند، بزرگ شود و برای بازگشتن به خانه اصلی خود که جهان دیگر است آماده شود، یا به عبارت دیگر فرآیند شدن یا صیوروت انسان انجام شود.

خانه اصلی ما همان جهانی‌ست که تمام ویژگی‌های نامحدود بخش انسانی وجودمان آن جا توان بروز دارد و این دنیا مانند محیط خاک برای دانه سیب، تنها بستری‌ست برای آماده کردن ما برای به فعلیت رساندن قوای خود. بخش انسانی وجود ما درست مانند معشوق بی‌نهایت‌مان، خدا، نامحدود است. ما صاحب مهربانی نامحدود، بخشش نامحدود، زیبایی نامحدود و هرآن چه که از کمالات وجود دارد، در مقیاس بی‌نهایت هستیم ولی برای این که بتوانیم این قوا را به ظهور برسانیم نیاز داریم که با تحمل فشارها در این دنیای محدود، فرآیند شدن یا صیوروت انسان را از سر بگذرانیم.

محدودیت‌های دنیا مانند فشار خاک بر دانه، محیط رشد ما را فراهم می‌کند تا بتوانیم کمالات نامحدودی که در جهان دیگر به آنها احتیاج داریم، کسب کنیم. ویژگی‌هایی که مانند شاخه و برگ‌های درخت توان ما را برای زندگی در شرایط نامحدود جهان دیگر فراهم می‌کنند. در مسیر این سفر و پس از پشت سر گذاشتن جهان محدود دنیا روح ما دیگر همان روح قبلی نیست. این بار روح ما یا در فرآیند شدن یا صیوروت انسان به تمامی قوای خود را به فعل تبدیل کرده و به انبوهی از کمالات خداگونه دست یافته است و یا این که ویژگی‌های لازم را کسب نکرده و مانند درختی که در شوزه‌زار می‌روید، توانایی ارتباط با شرایط زیستی آخرت را کسب نکرده و می‌خشکد.

همهٔ اعمال در خدمت شدن

کسی که از چگونگی و چرایی فرآیند شدن یا صیوروت انسان آگاه است، در تمام اعمال خود تنها به یک چیز اهمیت می‌دهد، این که انتهای هر عملی به شدن ختم شود. کسب چنین نتیجه‌ای مستلزم این است که ما به خود اهمیت بدهیم و برای صیوروت خود مراقبت و برنامه‌ریزی داشته باشیم. همان طور که تمام کارهای یک ورزشکار برای رسیدن به هدفی است که در نظر گرفته، برای مثال در غذا خوردن، استراحت یا شرکت در اردوها تابع همان نتیجه‌ای است که می‌خواهد کسب کند، کسی که می‌خواهد شبیه خداوند و مثل الله شود هم باید همهٔ کارهای خود را با شدن یا صیوروت انسان تنظیم کند.¹

همهٔ جوانب زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، علمی، هنری و ... حتی عبادات و مقدسات در زندگی ما وسیله و مقدمه‌ای برای شدن یا صیوروت ما هستند. مسیر زندگی ما باشگاهی برای تمرین است. چیزی که باعث می‌شود اعمال و عبادات ما منجر به تبدیل شدن استعدادهای بالقوهٔ ما به توانایی‌های بالفعل شود، این است که باور کنیم در باشگاه هستی هر عمل انسان باید به قصد شدن یا صیوروت انسان انجام شود.

در این مقاله معنای شدن یا صیوروت انسان را با هم مرور کردیم، گفتیم که چرایی سفر پرماجرایی ما تبدیل شدن است. ما آمده‌ایم که به تمامی آن کمالاتی که خدا در درونمان به امانت گذاشته است، تبدیل شویم. آمده‌ایم تا با پشت سر گذاشتن زندگی در جهان ماده، تحمل محدودیت‌ها، فشارها و پیدا کردن مسیر درست خود را به آن چه که باید تبدیل کنیم و امانت خدا را که بخش جاویدان وجود ما یا همان روح ماست با پیوند زدن به صفات خداوند به آغوش نور برسانیم، تا شایستگی لازم برای زندگی در خانهٔ اصلی‌مان را که عالم ملکوت یا همان آغوش خداست، پیدا کنیم.

¹ یُصِلِحُ أُمُورَهُ كُلَّهَا، همهٔ کارهای خود را اصلاح می‌کند. تحف العقول : 20